

یادداشت

امیرخداداد همدانی
روزنامه نگار

پیامدهای یک توافق

توافق تهران-ریاض در فرصت تاریخی کنونی، درها را برای تغییر معماری امنیتی، سیاسی و اقتصادی منطقه خلیج فارس به گونه‌ای باز کرده است که می‌تواند در راستای تأمین منافع همه کشورهای این حوزه حساس جهان باشد. در این مجال تنها به معدودی از وجوه این اتفاق پرداخته شده است:

۱- فناوری اطلاعات و ارتباطات: همکاری در زمینه استارت‌آپ‌های گردشگری، گسترش همکاری‌ها در ارائه خدمات در زمینه صنعت IT و حتی فرستادن نیروهای متخصص ایرانی در زمینه‌های گردشگری و صنعت IT از جمله خدماتی است که می‌تواند به عنوان راهکاری برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با عربستان سعودی مورد استفاده قرار گیرد. بازار فناوری اطلاعات و ارتباطات عربستان سعودی (ICT) با ارزش بیش از ۳۲٫۱ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین بازار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است و موقعیت خوبی برای تبدیل شدن به خدمات فناوری و هاب ابری با دسترسی به اتصال بین‌المللی از طریق دریای سرخ و خلیج فارس را دارد و این پتانسیل، ارائه خدمات به بازارهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی را میسر می‌سازد.

۲- گردشگری: ایران و عربستان سعودی دارای مکان‌های فرهنگی و مذهبی متعدد با ارزش تاریخی قابل توجه هستند و می‌توانند گردشگران بین‌المللی بیشتری را به دین و اکتشاف کشورهای مربوطه تشویق کنند و هم‌اکنون می‌بینیم که چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی تنوع بخشیدن به اقتصاد این کشور است و ایران نیز اهمیت گردشگری را می‌شناسد و شروع به تبلیغ مقاصد گردشگری خود برای جذب بازدیدکنندگان خارجی کرده است. هر دو کشور اقداماتی مانند ویزای الکترونیکی برای سهولت سفر برای گردشگران انجام داده‌اند و با همکاری هم می‌توانند بازدیدکنندگان بیشتری را از نقاط مختلف جهان جذب کنند، در این بین کارشناسان بر این باورند که اگر ایران و عربستان سعودی یکدیگر همکاری کنند، غرب آسیا می‌تواند به یک مقصد اصلی گردشگری برای بازدیدکنندگان در سراسر جهان تبدیل شود.

۳- زیرساختها: شبکه ریلی سراسری شورای همکاری خلیج فارس که از عمان آغاز و به اردن ختم می‌شود، برای عربستان کلیدی است، چراکه امکان



اتصال به عراق و سپس ایران را دارد. همچنین کلان‌پروژه ۱۷ میلیارد دلاری و ۱۲۰۰ کیلومتری جاده توسعه از مهم‌ترین پروژه‌های زیرساختی دولت عراق است که هدف آن ایجاد یک گذرگاه کالا و تجارت بین خلیج فارس و اروپا است و مشارکت ایران در تکمیل این طرح در ضمن اتصال خطوط ریلی کشورمان به جاده‌های اصلی این طرح، قابلیت عملیاتی دارد.

اجرای پروژه «بزرگراه بین‌المللی» پیشنهادی عراق نیز که می‌تواند مشهد را از طریق کرپلا به مکه متصل کند، نه تنها مراکز معنوی اصلی سه کشور را با پیامدهای اقتصادی برای گردشگری مذهبی به هم متصل می‌کند، بلکه تقویت پیوند بین سه کشور و ایجاد یک مجموعه فرهنگی و اجتماعی گسترده را نیز به ارمغان خواهد آورد، پس عربستان سعودی می‌تواند مسیر مناسبی برای دسترسی آسان‌تر ایران به آفریقا باشد.

از طرف دیگر ایران می‌تواند از طریق کریدور شمال-جنوب مسیر بهینه و مناسب برای دسترسی عربستان سعودی به اقتصادهای آسیای مرکزی و اقتصاد روسیه باشد.

البته به تازگی اقدامات عملی هم برای رونق مبادلات دو کشور انجام گرفته است که می‌تواند به برخی از آنها اشاره کرد:

الف- در پی ازسرگیری روابط تهران و ریاض، برای نخستین بار یک هیأت تجاری از عربستان به ایران آمد و به مذاکرات تجاری با شرکت‌ها و تولیدکنندگان ایرانی پرداخت. هیأت تجاری سعودی برای آشنایی یا توانمندی‌های شرکت‌های دانش بنیان ایرانی در حوزه‌های کشاورزی، گردشگری و فناوری اطلاعات در تهران حضور داشت و پنج شرکت دانش بنیان ایرانی در نشست‌های تجاری B2B به مذاکره با هیأت عربستانی پرداختند و توافقاتی مبنی بر آغاز مبادلات تجاری میان طرفین صورت گرفت. ب- فعالان بخش خصوصی هم در پی اقدام بجا و قابل تحسین دولت سیزدهم برای آغاز رابطه سیاسی با عربستان دست به کار شده و با ایجاد اتاق بازرگانی مشترک میان ایران و عربستان، می‌تواند انتظار افزایش حجم تجارت در بالاترین حد ممکن یعنی بیش از ۸۰۰ میلیون دلار را داشته و این گونه است که با پیگیری اتاق ایران بزودی اتاق مشترک بازرگانی تهران-ریاض راه‌اندازی و گام مفیدی برای پیشبرد اهداف اقتصادی ایران و عربستان برداشته می‌شود. سرانجام اینکه افزایش همکاری‌ها با عربستان برای بهره‌گیری از پتانسیل‌های سازمان‌های منطقه‌ای قابل تأمل است. به‌عنوان نمونه بانک توسعه اسلامی و سازمان همکاری‌های اسلامی، برای تهران-ریاض در راستای گسترش مناسبات نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

«ایران» به بهانه آغاز به کار سفرای ایران و عربستان گزارش می‌دهد

تهران و ریاض؛ حرکت از تنش زدایی به همکاری راهبردی



ریاض اجرای سیاست اصولی و راهبردی خود برای پیش راندن سیاست اقتصادی و توسعه‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی را بدون برقراری امنیت پایدار و کنار گذاشتن صف بندی‌های تقابلی جویانه یا دیگر قدرت‌های خاورمیانه بویژه جمهوری اسلامی ناممکن می‌داند

گزارش

تایش نور به زمستان سرد رابطه ایران و عربستان، فصل تازه‌ای را رقم زده و تحولات پرشتاب میان دو کشور با رخدادهایی همراه شده است که تا پیش از این اگر نه ناممکن اما دور از انتظار به نظر می‌رسید. استقبال گرم مقام‌های ایرانی و سعودی از فرستادگان جدید خود به پایتخت‌هایشان و آغاز به کار سفارتخانه‌های دو کشور نوید یک شروع طلایی میان دو قدرت بزرگ خاورمیانه را می‌دهد. هر چند شماری از ناظران بدبین دلایل شتاب قابل ملاحظه این رابطه را از منظر اضطراب جست‌وجو می‌کنند اما بی‌تردید عزم و اراده مشترکی که در ماه‌ها و هفته‌های اخیر از سوی تهران و ریاض برای انتخاب رویکرد تازه که تبدیل دشمنی به دوستی را جست‌وجو می‌کند، برانگاز اجبار و اضطراب خط‌بتلان کشیده است. عزمی که از این اصل در سیاست خارجی پیروی می‌کند، تهدیدات مشترک، دوستی می‌آفریند و آن را تداوم می‌بخشد. بنابراین در حالی که پیش از این برخی توافق بازرگانی رابطه ایران و عربستان را یک نمایش دیپلماتیک می‌خواندند و می‌گوشیدند آن را به دستورکار بازرگانی نمایندگی‌های دو کشور تنزل دهند، اینک مقام‌های دو کشور ذیل مجموعه‌ای از تحولات منطقه‌ای و جهانی، تصمیم به تنش زدایی گرفته و از آغاز یک رابطه راهبردی سخن می‌گویند.

آسودگی خیال رهبران سعودی

تردیدی وجود ندارد که در شرایط کنونی پایتخت‌های عربی و در رأس آنها ریاض اجرای سیاست اصولی و راهبردی خود برای پیش راندن سیاست اقتصادی و توسعه‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی را بدون برقراری امنیت پایدار و کنار گذاشتن صف بندی‌های تقابلی جویانه یا دیگر قدرت‌های بزرگ خاورمیانه بویژه جمهوری اسلامی ناممکن می‌داند؛ واقعیتی که کشورهای عربی را در مسیر جاری به سمت و سوی حل مناقشات با ایران و گام برداشتن برای زدودن موانع و تهدیدهای امنیتی و رفع چالش‌های امنیتی در منطقه سوق داده است. سعودی‌ها تا اینجا توانسته‌اند در پی بازرگانی رابطه با ایران، از دامنه‌های آتش جنگ خونین و فرسایشی یمن بگهند و برای نخستین بار در سال‌های اخیر، مذاکرات صلح این کشور را به آستانه صلح برسانند. روی گشوده توأمان ریاض به جریان حماس و تشکیلات خودگردان فلسطین و هموار کردن راه بازرگانی دمشق به جمع سران اتحادیه عرب نیز از دیگر رویدادهایی بوده که

خدمتی برای منافع ایران

آشنی ایران و عربستان خدمتی برای منافع ملی جمهوری اسلامی هم خواهد بود؛ چه گام برداشتن دو کشور پس از سال‌ها بحران به سمت کاهش تنش، دست تهران را برای تعریف و اجرای پروژه‌های مشترک در روابط دو جانبه که پیش‌تر امکانی برای آن نداشت، بازتر کرده است. نزدیکی تهران و ریاض و کاهش تنش‌های سیاسی این امکان را به

دولت سیدابراهیم رئیسی می‌دهد تا با تمرکز بر پیگیری دیپلماتیک اقتصادی خود در مناطق پیرامونی، اهداف تعیین شده در بطن توسعه فراهم کرده است؛ چه چرخش سیاست‌های این کشور زیر سایه بلندپروازی‌های توسعه‌ای و برنامه‌ریزی برای ابرپروژه‌های مورد نظر و نیاز به ایجاد امنیت بدون جلب نظر ایران به عنوان یکی از ستون‌های امنیتی در منطقه امکان پذیر نبود.

تروریستی همچون داعش و القاعده در منطقه نیز خواهد انجامید.

نقطه عزیمت

یافتن نقطه عزیمت برای ضرب و خنثی کردن به این واقعیت است که هیچ‌یک از دو کشور امکان حذف یا نادیده‌انگاری دیگری را در صحنه تحولات منطقه ندارند. توجه به این مهم از آن جهت دو چندان می‌شود که تنش‌زدایی ایران و عربستان بی‌تأثیر از متغیرهای منطقه‌ای همچون نقش تل‌آویو در منطقه، بالاکلیفی غرب در پرونده مذاکرات رفع تحریم‌ها، تقایلی آمریکا برای افزودن پسر مدخله نظامی خود در آب‌های خلیج فارس و زاویه نگاه ایران و عربستان به حوزه‌های رقابتی همچون عراق، سوریه و تا حدودی لبنان نیست. اینها ملاحظاتی است که دو طرف در روند همکاری جاری مورد توجه

قرار داده و می‌گوشند مانع از آن شوند که این موضوعات بر روند تحولات جاری سایه اندازد. در این راستا حاکمان سعودی در دایره تفاهم و اجرای مفاد امنیتی توافق با ایران می‌توانند ملاحظات خود پیرامون جنگ فرسایشی یمن را مطرح سازند. متقابلاً تهران نیز می‌تواند مصادیق سیاست‌های اعلامی خود در چهارچوب امنیتی در منطقه را مبنی بر کاهش حضور بازگران غربی، از بین رفتن تروریسم تکفیری، حذف رژیم صهیونیستی از معادلات منطقه، حمایت از ساختارهای سیاسی مستقل، حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و مقابله با مداخله‌جویی بازیگران فرامنطقه‌ای در بطن رابطه راهبردی و جامع با عربستان مورد پیگیری قرار دهد؛ چه تنها با تعریف عینی و عملیاتی از تهدید و فرصت‌های مطرح در این زمینه‌هاست که می‌توان درجه تحقق منافع ملی در سطح منطقه و بین‌المللی را به‌صورت ملموس و عینی اندازه‌گیری و پیگیری کرد.



تدوین نقشه راه برای گسترش مناسبات

دولت سیزدهم در پیگیری دیپلماتیک اقتصادی مورد نظر خود، استفاده از ابزار دیپلماتیک را به عنوان راهی برای حفظ و ارتقای جایگاه بین‌المللی و تأمین امنیت انرژی کشور جست‌وجو می‌کند؛ استراتژی‌ای که در بطن خود در برخورد با موضوعات مربوط به عرضه، تقاضا و تبدیل انرژی، به صورت هدفمند و بلندمدت عمل می‌کند و می‌تواند با ایجاد یک چهارچوب دیپلماتیک قوی و کارآمد به موفقیت در حوزه انرژی در سطح جهانی کمک کند. ذیل پیگیری این دیپلماتیک اقتصادی، آغاز دوباره همکاری ایران و عربستان فرصتی است تا دو طرف یک همکاری پایدار را در عرصه اقتصادی و تجاری رقم بزنند. در همین زمینه مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی به مطالعه پژوهشگران این مرکز در زمینه فرصت‌های تجاری ایران و عربستان از رهاورد توافق جدید اشاره کرده و نوشته است: ایران و عربستان تازه پس از دوره طولانی رقابت جداگانه راهبردی، وارد دوره تعامل شده‌اند. اگر مرحله تعامل به صورت موفقیت‌آمیزی اجرایی شود، دو کشور وارد مرحله تفاهم خواهند شد. مرحله‌ای که زمینه‌ساز همکاری‌های راهبردی و باثبات می‌شود.

بنا بر این گزارش بدترین راهبرد «زود و زیاد» خواستن است. بدین معنا که طرف ایرانی در کوتاه مدت انتظار نتایج کلانی داشته باشد و بر مبنای ذهنیات خود پیشنهادهایی برای رسیدن به منافع جداگانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن تدوین کند. این مسیر می‌تواند روند احیای روابط اقتصادی دو کشور را تخریب کند. از این رو باتوجه به اینکه دو کشور در مرحله تعامل قرار دارند، در این مرحله در سطح

دولت سیزدهم در پیگیری دیپلماتیک اقتصادی مورد نظر خود، استفاده از ابزار دیپلماتیک را به عنوان راهی برای حفظ و ارتقای جایگاه بین‌المللی و تأمین امنیت انرژی کشور جست‌وجو می‌کند؛ استراتژی‌ای که در بطن خود در برخورد با موضوعات مربوط به عرضه، تقاضا و تبدیل انرژی، به صورت هدفمند و بلندمدت عمل می‌کند و می‌تواند با ایجاد یک چهارچوب دیپلماتیک قوی و کارآمد به موفقیت در حوزه انرژی در سطح جهانی کمک کند. ذیل پیگیری این دیپلماتیک اقتصادی، آغاز دوباره همکاری ایران و عربستان فرصتی است تا دو طرف یک همکاری پایدار را در عرصه اقتصادی و تجاری رقم بزنند. در همین زمینه مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی به مطالعه پژوهشگران این مرکز در زمینه فرصت‌های تجاری ایران و عربستان از رهاورد توافق جدید اشاره کرده و نوشته است: ایران و عربستان تازه پس از دوره طولانی رقابت جداگانه راهبردی، وارد دوره تعامل شده‌اند. اگر مرحله تعامل به صورت موفقیت‌آمیزی اجرایی شود، دو کشور وارد مرحله تفاهم خواهند شد. مرحله‌ای که زمینه‌ساز همکاری‌های راهبردی و باثبات می‌شود.

بنا بر این گزارش بدترین راهبرد «زود و زیاد» خواستن است. بدین معنا که طرف ایرانی در کوتاه مدت انتظار نتایج کلانی داشته باشد و بر مبنای ذهنیات خود پیشنهادهایی برای رسیدن به منافع جداگانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن تدوین کند. این مسیر می‌تواند روند احیای روابط اقتصادی دو کشور را تخریب کند. از این رو باتوجه به اینکه دو کشور در مرحله تعامل قرار دارند، در این مرحله در سطح



ثمرات زود هنگام در بازار انرژی

تهران و ریاض تا پیش از تفاهم بازرگانی رابطه، هرگز شرکاتی تجاری اصلی یکدیگر نبوده‌اند؛ چه در زمان اوج روابط اقتصادی، حجم مبادلات تجاری میان دو طرف حدود ۸۰۰ میلیون دلار بود که از این رقم ۵۰۰ میلیون دلار واردات از عربستان و ۳۰۰ میلیون دلار صادرات به عربستان بود. در سال‌های قطع روابط ایران و عربستان، تجارت میان دو کشور عملاً متوقف شده بود و حداکثر به ۴۰ هزار دلار می‌رسید اما با آغاز مذاکرات میان مقامات ایرانی و سعودی، تجارت میان دو کشور در سال ۱۴۰۱ بهبود یافت و میزان صادرات ایران به این کشور به ۱۵ میلیون دلار رسید که نسبت به ارقام سال‌های گذشته جهش قابل توجهی داشته است. این در حالی است که در حوزه انرژی، ایران و عربستان در مجموع حدود ۳۷ درصد از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند و می‌توانند با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تجارت هماهنگ در بازار نفت، نقش بسزایی در ایجاد امنیت انرژی جهان بازی کنند. اهمیت این موضوع سبب شده است مذاکرات نفتی بین دو کشور دوباره آغاز شود و حتی صحبت از مشارکت طرفین برای توسعه میدان‌های مشترک به میان بیاید. اوایل تیرماه گذشته بود که مدیرعامل شرکت ملی نفت خیرداد برای همه میدان‌های مشترک بین ایران و عربستان توسعه میدان‌های مشترک به میان بیاید. اوایل تیرماه گذشته بود که مدیرعامل شرکت ملی نفت خیرداد برای همه میدان‌های مشترک بین ایران و عربستان توسعه میدان‌های مشترک به میان بیاید. اوایل تیرماه گذشته بود که مدیرعامل شرکت ملی نفت خیرداد برای همه میدان‌های مشترک بین ایران و عربستان توسعه میدان‌های مشترک به میان بیاید. اوایل تیرماه گذشته بود که مدیرعامل شرکت ملی نفت خیرداد برای همه میدان‌های مشترک بین ایران و عربستان توسعه میدان‌های مشترک به میان بیاید. اوایل تیرماه

شرکت‌های «پتروپارس» و «تاسیسات دریایی» در دو زمینه نفت و گاز به توسعه میدان‌های انرژی ایران، همکاری در آینده‌ای نزدیک پدیدار خواهد شد. امضای قرارداد ساخت جکت میدان گازی فرزاز B۱۱ و آغاز